



اگر
پزشکیان
نبود



برند کلی

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویرانه نامه

جهان کوانتومی و ریاست جمهوری پزشکیان

قوی سیاه سیاست ایران چگونه ظاهر شد؟

عباس عبدی

تحلیلگر ارشد سیاسی



از میان دو فیزیک نیوتنی و کوانتومی؛ فیزیک نیوتنی بر اذهان ما غالب است. اولی به نسبت ساده، خطی، پیش بینی پذیر، غیر احتمالی، با قابلیت تفکیک پذیری میان ناظر و بازیگر، تابع قوانین واضح و قطعی و زنجیره‌ای از علت و معلول‌ها است. در حالی که جهان کوانتومی تمامی این فرض را تغییر داده است. در جهان کوانتومی، قوانین قطعی جای خود را به احتمالات و شانس می‌دهند، پیش بینی پذیری و نتیجه قطعی جای خود را به شناخت احتمالات می‌دهد، تفکیک میان تماشاگر و بازی، جای خود را به اختلاط بازیگر و بازی می‌دهد، علت و معلول جای خود را به شبکه‌ای از روابط پیچیده و احتمالی می‌دهند. جهان کوانتومی ما را از جبرگرایی به آزادی؛ از مطلق بینی و حقیقت واحد، به تنوع نگاه‌ها و وابستگی حقیقت به اینکه از چه زاویه‌ای دیده شود؛ از قطعیت به عدم قطعیت و از قابلیت برنامه‌ریزی کامل و دقیق به پذیرش اینکه هر آن ممکن است با پدیده‌های پیش بینی نشده مواجه شویم رهنمون می‌کند. کسانی که در دنیای امروز بویژه در حوزه سیاست و جامعه، همچنان در چهارچوب جهان نیوتنی تحلیل می‌کنند قادر به هماهنگی با واقعیات پیچیده و پیش بینی نشده نیستند. انتخاب پزشکیان یکی از پدیده‌هایی است که مصداق جهان کوانتومی است. امری که اگر ابتدای سال گذشته پرسیده می‌شد که چقدر احتمال دارد که در تابستان فردی مثل پزشکیان رئیس جمهوری شود، در حکم «قوی سیاه» و غیرممکن بود. اما با سقوط بالگرد آقای رئیسی این شرایط پیش آمد که شاهد قوی سیاه سیاست ایران باشیم. حتی مردم هم باور نکردند، لذا حدود ۱۵ درصد از واجدین حق رأی در



دور دوم به میدان آمدند، یعنی هنگامی که تا حدی باورشان شد که، تغییر محتمل است. ولی این قوی سیاه در همان جا خاتمه نیافت. در حمله تروریستی به اسماعیل هنیه در همان روز اول ریاست جمهوری، سپس اتفاقات لبنان و سوریه و در پایان هم جنگ ۱۲ روزه، هر کدام نشان داد که اتفاقات نه فقط برای ما بلکه برای تدریجاً و نیز حکومت و کشورهای خارجی نیز پیش بینی پذیر نبود و این وضع همچنان ادامه خواهد داشت. اینکه در جهان کوانتومی چگونه تحلیل و رفتار کنیم بحث دیگری است که به تناسب به آن خواهیم پرداخت، اما اگر پزشکیان نیامده بود اکنون با چه وضعی مواجه بودیم، و اکنون چه وضعی داشتیم؟ موضوع این نوشته است.

با توجه به نکات گفته شده، تصویری قطعی از ایران امروز در صورت نیامدن پزشکیان نمی‌توان ارائه داد. آنچه بگوییم چه خوب و چه بد، نوعی از تصویرسازی احتمالی است، فقط باید سعی کنیم که این تصویرسازی مبتنی بر قرائن و شواهد جدی باشد. با عدم حضور پزشکیان یا هر نامزد دارای شانس اصلاح طلب؛ به احتمال فراوان انتخابات یک

مرحله‌ای می‌شد و نامزد جناح تندرو پیروز می‌شد و شاهد سه اتفاق می‌بودیم. اول؛ کاهش مشارکت به زیر ۳۰ درصد و در شهرهای بزرگ مثل تهران ۱۰ درصد (مثل مجلس ۱۴۰۲) که اعتبار انتخابات به کلی زایل می‌شد و بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین ضربه را نهاد انتخابات و به تبع آن مقبولیت نظام متحمل می‌شد. دوم؛ چون جناح اصولگرا نامزد مسلطی مثل ۱۴۰۰ نداشتند، با رقابت درون گروهی مواجه می‌شدند؛ و به علت قدرت طلبی بسیار مفرط آنان، شکاف و تنش سختی میان جناح غالب به وجود می‌آمد، همچنان که در همین انتخابات نیز تنش شدیدی میان آنان ایجاد شد. چه بسا در ادامه نیز این شکاف به درون تمامی ساختار قدرت سرایت می‌کرد و مجبور می‌شدند که سیاست خالص سازی و حذف را با شتاب بیشتری انجام دهند. سوم؛ شواهد نشان می‌دهد که با کاهش مشارکت، دست تدریجاً در موفقیت بیشتر می‌شد، بنابراین رقیب پزشکیان شانس بیشتری برای پیروزی داشت. یک انتخابات زیر ۳۰ درصدی، با یک شکاف عمیق میان جناح حاکم، و با حضور فردی تندرو در رأس دولت، مثلی را فراهم می‌کند که تصور هم لرزه بر اندام کشور می‌انداخت چه رسد که محقق هم بشود. همین تصور از آینده هولناک بود که موجب آمدن مردم در دور دوم انتخابات به پای صندوق‌های رأی شد. البته این، علت سلبی حضور بود و علت اجابی آن نیز در شخص آقای پزشکیان وجود داشت.

در صورت تحقق این وضع خطرناک، کشور همزمان در انزوای بیشتر جهانی و داخلی قرار می‌گرفت، و طبیعی بود که ناامیدی مطلق از آینده سراسری شود و راه را برای طمع‌ورزی بیگانگان هموارتر کند. مهاجرت از کشور جهش می‌کرد، واکنش‌های مردم در برابر اقدامات جنگی بیگانگان چون امروز نبود، و تصور می‌کنم کشور به سختی می‌توانست خود را به پایان سال ۱۴۰۳ برساند. این را در زمستان ۱۴۰۲ هم گفته بودم.

همزمان با محدودیت‌های رسانه‌ای و اینترنتی، فشار به زنان و جوانان، ادامه خالص سازی، ناامنی سرمایه و تولید، نزول بهره‌وری، گسترش فقر و بیکاری و خلاصه به حاشیه رفتن عقلانیت و فرسایش اعتماد اجتماعی دچار بحران می‌شدیم و چه بسا ترکیبی از اعتراضات داخلی و فشارهای خارجی موجب تعمیق ناپایداری کشور می‌شد. ناترازی‌ها به سرعت تشدید و کسب و کار و زندگی متعارف مردم دچار اختلال جدی‌تری می‌شد. ادامه تنش‌های موجود در دانشگاه‌های دولتی نیز می‌توانست بحران را تشدید کند.

سعی کردم تحلیل و تصور خود را فارغ از هر احساساتی بنویسم و البته انتظاراتم از آقای پزشکیان نیز در برخی از زمینه‌ها بیش از این بود و هست و امیدوارم بزودی حداقل بخشی از آن را در زمینه‌های گوناگون محقق کند. اینها خطراتی بود که به احتمال فراوان ساختار سیاسی کشور نیز تشخیص داده بود و به همین دلیل امکان حضور آقای پزشکیان را فراهم کرد. به نظر من، که بارها نوشتم، علت رأی دادن من به پزشکیان دو چیز بود. یکی خطرات وجود تدریجاً، و دیگری استقبال حکومت از پیروزی پزشکیان بود. امیدوارم به تبعات این حضور نیز ملتزم و همراه باشند. »

کسانی که در دنیای
امروز بویژه در حوزه
سیاست و جامعه،
همچنان در چهارچوب
جهان نیوتنی تحلیل
می‌کنند قادر به
هماهنگی با واقعیات
پیچیده و پیش بینی
نشده نیستند. انتخاب
پزشکیان یکی از
پدیده‌هایی است
که مصداق جهان
کوانتومی است